



کتاب اولین دوست و کتابخانه اولین مکان در روند تکاملی انسان

اینگونه تعریف شده است: تکثیر کردن اثری است به کمک یکی از شیوه‌های تولید، توزیع و پخش آن به قصد انتقال. انتقال از یک یا چند ذهن به ذهن‌های بسیار، یا انتقال از یک جامعه به جامعه یا جامعه‌های دیگر، یا از یک فرهنگ و تمدن به فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر، یا از یک نسل و دوره به نسل‌ها و دوره‌های دیگر، یا همه اینها با هم.

در مقاله ششم به خوبی جایگاه کتاب و کتابخانه و نشر کتاب در هر جامعه‌ای روشن شده است: رشد و توسعه یک جامعه پدیده‌ای نیست که بتوان آن را به یک زمینه و موضوع خاص محدود کرد اما کتاب و سایر ابزارهای فرهنگی جایگاه خاصی در این روند دارند. رشد و غنای فرهنگی کشور ما، در گرو حفظ چرخه‌های طبیعی فرهنگی است (از پدید آورنده به ناشر و از ناشر به خوانندگان و کتابخانه‌ها) و شاید کتاب محور اصلی همه این چرخه‌ها باشد چون شاخص تیراژ با شاخص کتابخوانی و شاخص کتابخوانی با شاخص‌های پیشرفت فرهنگی همخوانی دارد و پیشرفت‌های فرهنگی با سایر جنبه‌های پیشرفت جامعه هماهنگ است.^۱

در همین مقاله ششم در اهمیت نشر کتاب چنین می‌خوانیم: ناشر پل ارتباط میان پدیدآورنده و خواننده است و اگر دولت‌های گریزان از پذیرش مسئولیت، سیاست‌ها و برنامه‌های نادرست‌شان را در قبال پدیدآورنده یک اثر پنهان کنند یا واژگونه جلوه دهند، در مرحله دوم یعنی عرصه نشر، بسیاری از این سیاست‌ها آشکار می‌شود و دیگر قابل تکذیب و کتمان نیست.

نویسنده در جای جای این مجموعه به اهمیت کتاب و کتابخانه اشاره کرده است. از جمله در نوشته هفتم در جواب این سوال که کتابخانه عمومی چه رسالتی

● دکتر مسعود ناجی

مقدمه:

کتاب شامل ۱۶ مقاله (چهارده گزارش و دو گفتگو) است که به صورت مجموعه‌ای در حوزه مباحث کتاب و کتابخانه و نشر کتاب گردآوری شده است همانطور که نویسنده گرامی در مقدمه خود آورده است، این نوشته‌ها قبلاً در مجله‌های پیام کتابخانه، جهان کتاب، سروش، فصلنامه کتاب، کلک و نگاه نو چاپ شده است که با تغییراتی اندک و حذف و اضافه‌هایی که لازمه تبدیل مقاله‌های پراکنده به مجموعه است، به چاپ رسیده.

تعریف و جایگاه کتاب:

نویسنده در مقاله ششم، کتاب را اینگونه تعریف نموده است: کتاب به عنوان اصطلاحی عمومی، به هر چیزی که با الفبا و خط از زبان گفتاری به رسانه نوشتاری تبدیل شود، گفته می‌شود و اکنون که رسانه‌های اطلاع‌رسانی و ارتباطی دیگری ظهور کرده‌اند، دامنه معنایی کتاب نیز گسترش یافته است.

در مقاله هفتم نیز کتابخانه اینگونه تعریف شده است: چون همه رسانه‌های اطلاعاتی را می‌توان زیر مفهوم کتاب قرار داد، پس کتابخانه نیز در دنیای در حال تحول، در واقع مرکز رسانه‌های اطلاعاتی است. از نظر مؤلف رسانه خانه بیشتر مناسب معنای کتابخانه است ولی نباید این نام را جایگزین آن نمود. همانطور که عوض کردن نام کتابدار به دانش‌شناس و کتابخانه به دانشخانه یا فرهنگخانه درست نیست. در مقاله نهم، نشر کتاب در ساده‌ترین صورت آن



- شمه‌ای از کتاب، کتابخانه، و نشر کتاب
- عبدالحسین آذرنگ
- تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸
- ۲۳۷ ص؛ ۲۰۰۰ نسخه؛ ۹۹۵ تومان

برعهده دارد؟ چنین می‌خوانیم: مردم جامعه ایران اگر بخواهند ببیند باشند، اگر پرسشی داشته باشند و بخواهند بگویند، اگر وقتی داشته باشند و بخواهند صرف کنند، اگر بخواهند به خود بیایند و حرکتی بکنند و خلاصه آنکه اگر برای روح و قلب و مغزشان غذایی بخواهند به کجا باید بروند؟ از کی باید بپرسند؟ اینها رسالت. آن هم رسالت در دوره‌ای که رسانه از چند ماده محدود مثل کتاب و مجله و غیره به انواع وسایل دیداری و شنیداری و بسودنی و بوییدنی تبدیل شده است.

فهرست و برگزیده‌ای از مطالب کتاب:

کتاب شامل دو بخش است. بخش اول در مورد کتاب و کتابخانه و بخش دوم در مورد نشر کتاب. نویسنده در مقدمه خود در مورد بخش دوم چنین می‌گوید: «این بخش قرار بود جداگانه منتشر شود اما چون احتمال می‌رفت چاپ آن به تأخیر بیافتد، فعلاً چند مقاله از آن که بیشتر کاربرد آموزشی و برنامه‌ریزی دارند، در اینجا آمده است که در فرصتی دیگر مباحث مربوط به نشر کتاب در صورت آماده شدن به نظر خوانندگان علاقمند می‌رسد» لازم به ذکر است کتابی با عنوان آشنایی با چاپ و نشر نیز از همین مؤلف در زمستان ۱۳۷۵ توسط انتشارات سمت به چاپ رسیده است. هر بخشی شامل هشت مقاله است که چهار مقاله اولیه آنها مربوط به کتابخانه‌ها و وضع نشر در کانادا و امریکا است مقاله اول در مورد نحوه برخورد کتابدار یکی از کتابخانه‌های شهر تهران با نویسنده است که در انتهای آن چنین نتیجه گرفته می‌شود: اگر کتابخانه مناسب‌ترین، طبیعی‌ترین، سالم‌ترین و مطلوب‌ترین کانونی است که کنجکاو و علاقه‌مندی فرد را ارضاء می‌نماید، پس بایستی مسئولان فرهنگی کشور مقرراتی بر سراسر کتابخانه‌ها حاکم کنند تا هر جوینده‌ای، هر علاقه‌مندی، هر تشنه‌ای... بتواند مطلوب خود، ا به آسانی، بدون مانع و بدون از تشریفات و در فضایی دوست‌داشتنی بیاید. مجموعه منابع کتابخانه‌ها غنی و روزآمد و متنوع شود و جان بگیرد، به طوری که نبض فرهنگ کشور در کتابخانه‌ها بتپد.

مقاله دوم در مورد کتابخانه‌های عمومی در غرب بطور کلی توضیح داده است، از لحاظ تعداد و فاصله آنها از یکدیگر در یک منطقه جغرافیایی، شرایط عضویت افراد مقیم یا غیرمقیم در آن کشور، تعداد کتابخانه‌هایی که می‌توانند عضو شوند، تعداد کتب و مدت امانت و نحوه تمدید امانت کتابها و برگرداندن آنها، ساعت کار و نحوه اداره کتابخانه‌های عمومی در شهرها و روستاها و بطور کلی نحوه استفاده و انواع خدماتی که ارائه می‌دهند شرح داده شده است.

مقاله سوم مربوط به نحوه ساخت و انواع خدمات و سیاست اداره یکی از کتابخانه‌های شهری غرب است که بیشتر، کتابخانه عمومی ونکوور کانادا مد نظر قرار گرفته است.

نویسنده پس از ذکر مزایای این کتابخانه و موشکافی‌های بسیار در انتهای مقاله در مورد یکی از پرسش‌های مهمی که در ذهن خوانندگان و بینندگان چنین کتابخانه‌هایی در ذهنشان بوجود می‌آید چنین می‌نویسد:

«به راستی چرا کسانی که کتابخانه‌ها را طراحی می‌کنند، آنهم در جامعه بی‌رحم سرمایه‌داری، که یک گاز بدون کار شدید به کسی نمی‌دهند، اینقدر عاشق کتاب و فرهنگ و مردم‌اند؟ دست خالی برو کتابخانه با دستهای پر از اطلاعات و کاغذهای رایگان و مغزی انباشته برگرد... خسته برو و روی میل‌ها و راحتی‌های شبیه تختخواب خستگی در کن در کتابهای مصور و رنگین بگرد و ساعت‌ها و ساعت‌ها در کتابخانه بگرد، بشین حتی بخواب، اصلاً برای استفاده از دستشویی و صفا دادن به سرو صورت و نوشیدن آب سرد و... به کتابخانه برو. بچعات را ببر و بگذار در قسمت عروسک‌ها و اسباب بازی‌ها و خودت هم برو به تکلیف‌های شخصی یا حساب روزانهات برس... چرا؟ پاسخ اینست که مسئولان فقط تا نوک دماغشان را ندیده‌اند و از پاسخ‌های اجتماعی‌شان دریافته‌اند که سرمایه‌گذاری مستقیم در عرصه اطلاعات برابر است با سود غیرمستقیم... مردم را به سمت کتابخانه‌ها و بوژه کتابخانه‌های عمومی که مال خود مردم است جلب و جذب کن و از مشکلات، که برطرف کردن آنها برای دولت و جامعه هزینه‌های سنگین بر می‌دارد، بکاه.»

مقاله چهارم به توضیح یکی از کتابخانه‌های دانشگاهی در امریکا پرداخته است که برخلاف کتابخانه‌های عمومی در شهر و روستا، مراجعان، نیازمند کمی سواد کامپیوتری هستند چون اطلاعات این کتابخانه‌ها روز به روز از حالت کتاب و مجله و روزنامه به صورت اطلاعات کامپیوتری در می‌آیند.

در این مقاله نویسنده مزایای زیادی برای کتابخانه‌های دانشگاهی بر شمرده است که در ذیل بطور خلاصه به دو نمونه از آنها اشاره می‌شود: مزیت اول، چون در غرب معتقدند دانستن حق همه مردم است و تحقیق فی‌نفسه توسط هر کسی که انجام شود محترم است بنابراین همه مردم می‌توانند از کتابخانه‌های دانشگاهی بطور غیرمستقیم از طریق شبکه اینترنت یا شبکه اطلاع‌رسانی کتابخانه‌های عمومی یا به طور مستقیم از طریق عضو شدن (که از غیر دانشگاهیان

حق عضویت سالانه ناچیزی دریافت می‌شود) استفاده نمایند.

به همین جهت شمار بسیار زیادی از مردم از امکانات آموزشی دانشگاه از راه دور استفاده می‌کنند و نظام اطلاع‌رسانی دانشگاه به پژوهندگان این امکان را می‌بخشد که محرومیت ناشی از حضور مستقیم در دانشگاه را به هر دلیل جبران کنند.

به هر حال جامعه به این حقیقت رسیده است که اگر نتوانست از طریق شبکه‌های کتابخانه‌های عمومی شهری و روستایی مشکل علمی خود را حل کند یا به اطلاعات دلخواهش دست یابد، جایی به نام دانشگاه و نظامی به نام نظام اطلاع‌رسانی دانشگاه، گره از کار او می‌گشاید.

مزیت دوم، چون کتابخانه‌های دانشگاهی از طریق شبکه‌های اطلاع‌رسانی می‌توانند به سرعت و سهولت منابع یکدیگر را به امانت بگیرند لذا هر دانشگاهی تمام وقت و سرمایه خود را صرف فراهم کردن کتابها و منابع اطلاعاتی یک یا چند رشته مخصوص به خود نموده است. به همین جهت کتابخانه‌های آنها کوشش می‌کنند از تهیه منابع تکراری بپرهیزند در نتیجه هر دانشگاهی روز به روز مجموعه‌های تخصصی‌تر و کامل‌تر می‌شود.

مقاله پنجم به برشمردن مزایای یکی از کتابخانه‌های تحقیقی - تخصصی در شرکت خصوصی میکروسافت پرداخته است که همه استانداردهای امریکایی مربوط به خدمات و تسهیلات را به دقت مراعات می‌کند. در ذیل دو نمونه از آنها را ذکر می‌کنیم: مزیت اول (صفحه ۷۶): «کتابخانه میکروسافت در گزارش خود با فخر و مباهات ذکر کرده است که همواره ۲۴ درصد (یعنی حدود یک چهارم) مجموعه کتابخانه در دست امانت است. این نسبت هم از کارآمدی و سرعت نظام حکایت می‌کند و هم از سودمندی و ربط منابع. کتابخانه‌ای که به این نسبت امانت بدهد، معنایش این است که منابع را درست و قابل استفاده انتخاب کرده است.»

مزیت دوم (صفحه ۷۱): «این کتابخانه ۲۴ ساعته و حتی روزها و شبهای تعطیل باز است، تأکید می‌کنم، در تمام روزهای سال، شب و روز باز است و هر عضو میکروسافت می‌تواند هر وقت از شب و روز که می‌خواهد در الکترونیکی را با کارت مخصوص باز کند و از امکانات کتابخانه که توضیح بیشتر آن را خواهید دید استفاده کند.»

در مقاله ششم نویسنده به کتاب از دید کلان پرداخته است و چگونه بودن سیاست کتاب، سیاست اداره کتابخانه‌ها و ارکان سه گانه چرخه طبیعی کتاب را توضیح داده است. در صفحه ۹۴ چنین می‌خوانیم، چرخه

طبیعی کتاب سه مرحله اصلی دارد که شامل پدیدآورنده، ناشر و خواننده است و سلامتی این چرخه را ارکان زیر تأمین می‌کنند: ۱- سیاست‌ها و برنامه‌های دولت ۲- سیاست‌های تشکلی و نهاد‌های اجتماعی ۳- خود جامعه بدون مداخله دولت ۴- ترکیب یا نسبتی از همه اینها.

مقاله هفتم و هشتم نیز به صورت گفتگو است. نویسنده در این گفتگوها حقایق مستندی را از وضعیت کتاب و کتابخانه ورشته کتابداری در دانشگاه‌های ایران عنوان کرده که در لابه لای آنها به نکات مهم و دقیقی با زبان طنز نیز اشاره نموده است.

به خصوص در گفتگویی که در نوشته هشتم به نام کتاب سالاری یا کتاب سواری آمده این شوخ طبعی به اوج خود رسیده است. این سبک نوشتن که در مقالات و گفتگوهای علمی و مستند کمتر به چشم می‌خورد نه تنها خستگی را از تن خواننده در می‌آورد بلکه انرژی او را برای خواندن باقی‌مانده مطالب و حتی خواندن دوباره مطالب چند برابر می‌کند.

خود نویسنده در این باره در مقدمه خود چنین می‌گوید: «شاید آن روز مصادف با ایامی بود که ذهنم به نوشتن مقاله‌های طنزآمیز - چنین کنند مدیران - مشغول بود، و به نوشتن مطلبی جدی در باب موضوعی که هیچ امیدی به اصلاح آن، دست‌کم در آینده پیش‌بینی پذیر، نداشتم، رغبت نشان نمی‌داد.»

بخش دوم در مورد نشر کتاب شامل هشت مقاله از نهم تا شانزدهم است که تقریباً از نیمه کتاب شروع می‌شود.

در ابتدای مقاله نهم با عنوان نشر کتاب در عصر اطلاعات و ارتباطات تازه‌ترین آمارهای درآمد و سود خالص بزرگترین ناشران کتاب در جدولی آورده شده است. سپس تفاوت‌هایی که بین نشر جدید با نشر سنتی وجود دارد توضیح داده شده است از جمله اینکه مخاطبان ناشران عصر جدید تلقی دیگری از کتاب دارند.

نویسنده در این مورد چنین می‌نویسد: «در واقع همان‌گونه که از نشر جدید، ناشر جدید، و پدیدآورنده جدید صحبت می‌کنیم، می‌توانیم از خواننده جدید هم سخن به میان آوریم... تکنولوژی عصر ارتباطات و اطلاعات خواننده قدیم را که مخاطب اصلی نشر کتاب بود، به خواننده - شونده - بیننده تبدیل کرده است. محصول آن نشر، فقط متن چاپی بود، و محصول این نشر پدیده‌های چند رسانه‌ای است. کتاب‌هایی که با نوار، لوح فشرده

(سی دی)، صفحه‌ک (دیسک) یا تجهیزات دیگر دیداری - شنیداری همراه است، از ساده‌ترین محصولات چند رسانه‌ای در عصر ارتباطات است. ناشرانی که امکانات متنوع این پدیده‌ها را در نظر نگیرند یا توانایی تولید کردن آنها را نداشته باشند، طبعاً دسته‌ای از خوانندگان خود را از دست می‌دهند.»

نویسنده در انتهای مقاله چنین نتیجه‌گیری می‌نماید: «عصر اطلاعات و ارتباطات در عین آنکه راه را از جهاتی بر نشر کتاب بسته است، راه‌های تازه و دیگری به روی آن گشوده است.»

نویسنده با این عقیده که روزگار موختن قاعده‌های نشر از راه تجربه‌های عملی در مغازه‌های کتابفروشی و دستگاه‌های کوچک و بزرگ به سر آمده است مقاله دهم را با عنوان آموزش، سرفصل تحول در نشر، آغاز می‌نماید.

در اوایل مقاله وضعیت کلی آموزش نشر در آمریکا، فرانسه، انگلیس و ژاپن نوشته شده است. سپس نویسنده عنوان می‌کند که معتبرترین و شاید بااهمیت‌ترین دوره آموزشی نشر در دانشگاه نیویورک در سطح کارشناسی ارشد برگزار می‌شود که شامل ۲۰ ماده درسی و ۲۸ واحد دانشگاهی است. پس از آن تک تک این ماده درس‌ها توضیح داده شده است.

در ادامه این مقاله، آموزش‌های نشر به سه دسته عمده تقسیم شده‌اند. نویسنده پایان مقاله را اینچنین می‌نویسد: «از پدیدآورندگان و ناشران شریف که بر فرهنگ ملت حق بزرگ دارند، این توقع می‌رود که زمان و وقت را درست دریاوند، درنگ نوززند، تحول بنیادی در نشر واپس‌مانده ایران را با آموزش و انتقال دانشها و تجربه‌های نوین نخست به خود و سپس دیگران آغاز کنند... تحول در نشر، تحول در فرهنگ و تحول در فرهنگ تحول همه ارکان جامعه است.»

مقاله یازدهم در مورد دوره‌های کوتاه مدت آموزش نشر یکی از دانشگاه‌های آمریکا که بزرگترین ناشر دانشگاهی و یکی از موفق‌ترین دانشگاه‌ها در اکثر رشته‌های علمی است، می‌باشد. ابتدا تخصص‌های مدرسان این دوره‌ها را ذکر نموده سپس عنوان آخرین درس‌هایی که در این دوره‌ها تدریس می‌شود به ترتیب حروف الفبای فارسی آورده شده است (حدود سی درس توضیح داده شده است) در پایان این مقاله نویسنده مزایای کم نظیر این دوره‌ها را ذکر نموده است، از جمله اینکه تکرار مستمر و مداوم دوره‌های کوتاه مدت نشر و افزودن بر تنوع درس‌ها و موضوع‌ها، مقدمه مناسبی

است در جذب علاقه‌ها و استعدادها و زمینه مناسبی است برای فراهم شدن دوره‌های بلند مدت تخصصی در نشر.

مقاله دوازدهم گزارشی کوتاه است درباره آموزش نشر در ونکوور کانادا. نام اکثر درس‌های مهم این فعالیت‌های آموزشی در سطوح کارشناسی ارشد و دوره‌های تخصصی ذکر شده است.

تأکید نویسنده در مقاله‌های ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ بر آموزش نشر به این دلیل است که او معتقد است نشر به پشتوانه‌های فکری و اندیشه‌های تازه و دورنگر و آینده بین بیشتر از سرمایه و قوانین تضمین‌کننده و حمایت‌کننده نیازمند است.

نویسنده در مقالات ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ که بین سال‌های ۷۰ و ۷۱ نوشته است به موانع تدوین سیاست نشر و ویراستاری در ایران و جایگاه اخلاق در نشر و ویرایش پرداخته است و مقاله آخر نیز گفتگویی است با روزنامه همشهری در بهمن ماه ۱۳۷۷.

بطور کلی در تمامی مقالات نویسنده تجارب و نکات ارزشمندی را ارائه کرده است که کتاب را خواندنی و از هر حیث کاربردی نموده است. تیراژ چاپ اول این کتاب خیلی پایین است. این موضوع شاید بخاطر همان نکاتی باشد که نویسنده در طول این کتاب (بخصوص در بخش دوم) به آن اشاره کرده است.

امیدوارم در چاپ‌های بعدی به موازات افزایش فرهنگ کتابخوانی در کشورمان شاهد تیراژهای بسیار بالاتری از این کتاب باشیم. البته با همان قیمت قبلی یا حتی کمتر از آن. زیرا طبق آنچه در کشور ما مرسوم است اکثر کتاب‌ها متأسفانه با قیمتی مشابه تیراژ و دفعات چاپشان به فروش می‌رسند، نه بر طبق هزینه تمام شده‌شان. مؤلف در این مورد چنین عقیده دارد: نشر به هر حال نوعی فعالیت اقتصادی است اما اگر نشری فقط برپایه سود محوری استوار باشد و جنبه‌های دیگر از نظر دور بماند، طبعاً بسیاری چیزها آسیب می‌بینند. مسلماً ناشرانی که با شامه اقتصادی از بازار لحظه‌ای استفاده می‌کنند تنها در کوتاه مدت سود می‌برند، و این وضع در دراز مدت به هیچ وجه به نفع آنها و پدیدآورندگان و خوانندگان نخواهد بود.

پانویس:

- ۱- توضیح بیشتر در مقاله سیزدهم (موانع تدوین سیاست نشر در ایران) چنین آمده: سیاست نشر با بسیاری از سیاست‌های دیگر مانند سیاست‌های علمی، پژوهشی، اقتصادی و... مرتبط است. بعبارت دیگر در بین مجموعه سیاست‌های ریز یک کشور، هر سیاستی که پیشرفت کند یا عقب بماند، روی سیاست‌های نزدیک و وابسته‌اش بی‌درنگ اثر می‌گذارد.